باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت:	۳۸۴۵۷
رده‌بندی دیویی:	۱۳۳۰ ف ۴۷۹ م ۲۹۷/۷۶۷۲
سرشناسه:	مرندی، ابوالحسن، - ۱۳۰۹ ق
عنوان قراردادی:	
عنوان:	الفوادح الجلیه فی هتک حرم الرضویه
کاتب:	زین العابدین محلاتی — تاریخ کتابت:
محل نشر:	ناشر: مطبعه حاج عبدالرحیم — تاریخ نشر: ۱۳۳۰ ق
صفحه شمار:	۴۹ ص — مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐
زبان:	فارسی — ابعاد: ۲۲ x ۱۷ — نوع خط: نسخ
روش تهیه:	وقفی☐ اهدایی☐ خریداری☐ ارسالی☐
توضیحات:	ناعلوم — تاریخ ثبت: آبان ۱۳۸۰
یادداشتها:	
موضوع(ها):	۱. زیارتگاههای اسلامی - ایران - مشهد - تاریخ. ۲. آستان قدس رضوی - تاریخ. ۳. علی بن موسی
شناسه(های) افزوده:	الف. محلاتی، زین العابدین، کاتب. ب. عنوان.
فهرستنگار:	اسروزار. — تاریخ فهرستگاری: بهمن ۸۸

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

هر گونه نشانه گذاری به مرور زمان سبب ایجاد لکه در اوراق کتاب می شود.

کتاب سرمایه ملی و فرهنگی شماست، پس ترمیم و صحافی آن را به متخصصین بسپارید.

مدت زمان لازم برای صحافی هر جلد کتاب حداقل ۶ روز است و این، معادل مدت زمان چهار مرتبه امانت گرفتن کتاب توسط اعضای کتابخانه است.

ذهن و فکر اندیشمندان ما در کتاب متجلی است پس آن را مخدوش نکنیم.

در هر ماه به جای هزینه صحافی می توان بیش از هزار جلد کتاب را خریداری نمود.

کتاب، زبان اندیشه گذشتگانمان است و بریدن آن...!

www.aqlibrary

- موضوع : رضا (ع)، امام هشتم، ۱۵۳ - ۲۰۳ ق.
- سرگذشتنامه

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

هر گونه نشانه گذاری به مرور زمان سبب ایجاد لک در اوراق کتاب می شود.

کتاب سرمایه ملی و فرهنگی شماست، پس ترمیم و صحافی آن را به متخصصین بسپارید.

مدت زمان لازم برای صحافی هر جلد کتاب حداقل ۶ روز است و این معادل مدت زمان چهار مرتبه امانت گرفتن کتاب توسط اعضای کتابخانه است.

ذهن و فکر اندیشمندان ما در کتاب متجلی است پس آن را مخدوش نکنیم.

در هر ماه به جای هزینه صحافی می توان بیش از هزار جلد کتاب را خریداری نمود.

کتاب، زبان اندیشه گذشتگانمان است و بریدن آن...!

جهت ارائه پیشنهادات خود به سایت سازمان به آدرس www.aqlibrary.ir مراجعه نمایید.

سازمان پذیرای پیشنهادها و انتقادهای شما با شماره تلفن ۲۲۱۹۵۵۳ و ۲۲۵۸۰۲۰ می باشد.

فواتح الجليه في هتك حرم الرطوبه

٢٩٧٥١

هذا فهرست وجيزة

كتاب مستطاب الفوائح الجليّة في
هتك حرم الرطوبة من مستطرفات
لوامع الأنوار جلد رابع نور
الأنوار من تأليفات جناب
مستطاب علم علماء الأعلام
وأفقه فقهاء الكرام صاحب
نفس القدسيّة وملكة الاجتهاد
الحاج الشيخ أبو المرتضى طال
الله أيّام إفاداته كتبه عبد العابد المحلاتي ١٣٣٠

٢٦٧، ٧٦٧٢

ف - ٣٤٧٩

٢٣٩٥٢٣

كتابخانه آستان قدس مشهد
شماره ثبت
تاريخ آبان ٨٠

الفوادح البملیّة فی هتک حرم الرضویّه در بیان
شرح خطبه ابی الائمة امیر المؤمنین انا اخو رسول الله
و وارث علمه و معدن حکمته و صاحب سره الی ان قال الا
وان لخروجی علامات عشرة اولها تحریف الرایات فی ازقة الکوفة
و تعطیل المساجد و انقطاع الحاج و خسف و قذف بخراسان
و شرح خطبه امیر المؤمنین انا علم الاعلام انا جلة الاسلام
انا خامس الکساء الی ان قال و یخربون خراسان و یصرفون
الجلیشان و یهدمون الحصون و یظهرون اللصوص و شرح
توقیع شریف ناحیه مقدسه که بشیخ جلیل معتمد خداوند
مجید محمد بن محمد بن النعمان المفید علیه رضوان الله در
ماه صفر سنه چهارصد و ده از هجرت نبوی صادر شد
چنانچه شیخ الطبرسی علیه الرحمه در اخر کتاب احتجاج
نقل فرموده ستظهر لکم من السماء اية جلیة و من الارض
مثلها بالسویة و یحدث فی ارض المشرق ما یحزن و یقلق و یغلب
من بعد علی العراق طوائف عن الاسلام مراق بسوء افعالهم علی
اهله الارزاق ثم تنفرج الغمة من بعد ببوار طاغوت من
الاشرار ثم یسر بهلاکه المتقون الاخیار الی اخر التوقیع الشریف

نسخه

کتاب الفوادح الجلیة فی هتك حرم الرضویة

بسمه تعالی شانه العزیز

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی
خیر خلقه محمد وعلی اله غر المیامین واللعنة الدائمة علی
اعدائهم الی قیام یوم الدین چون این اقل عباد زاد اللمعاد
وذخر الیوم التناد وجیزه از وقایع هائله عاشورا و مقتل
خواص اصحاب سید الشهداء علیهم الاف التحیة والثنا
المسمی بلوامع الانوار تالیف نموده با روی سیاه ودست
پرازگناه و قلبی مملو از ناله واه هنوز جراحتیکه از شنیدن
مصائب عظام وارده بر سبط رسول الانام وجگر
گوشه خیرة النسوان ملتیم نشده و قرحهائیکه بر دل از تصفح
کتب مقاتل منفجر نگشته بود ودمع العین منهمل والجرح
لما یندمل که واقعه هائله خراسان و فاده سانحه
با نسامان گلوله باران کردن روسیان صحن وحرم ملائك
پاسبان و مسجد گوهرشاد وگنبد مبارك و رواق
سلطان غریبان حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا
علیه الاف الثناء روی داده که مطاف ملائکات هفت
اسمان و مزار کروات شیعیان خلص ایران وهندوستان
وافریقا و عربستان و قفقاز و ترکستان بربر وافغانستان
وغارت نمودن زینتهائیکه از اکناف عالم از قدیم الایام

از برای الحرم محترم اهداء و وقف نموده بود بدو کشته
شدن جمع کثیر از رجال و نسوان زوار و مسلمانان و
ریختن خون بیگناهان در مسجد و صحن و رواق آن حجت
رحمن حتی در ضریح آن امام انس و جان که پشت اسلام
واسلامیان را شکسته و زبان گوینده یا لیتنا کنا معک
با حجت بالغه بر بسته و باعث سرافکندگی و روسیاهی
فاطبه مسلمین و گوینده کلمه لا اله الا الله بین الخافقین
گشت و این مورد از اعظم علائم فتن آخر الزمان و عظائم
محن و آخر زمان است چنانچه جد بزرگوار شو حضرت ابی الائمه
امیر المؤمنین در خطبه افتخاریه میفرماید چنانچه در
مشارق الانوار روایت از اصبغ بن نباته و هم در کتاب عقد
الدرر لابی بدر یوسف بن یحیی سمی الشافعی هم ذکر شده
که عین خطبه را در مجمع النورین مفصلا ذکر نمودم قال قال
امیر المؤمنین فی خطبته انا اخو رسول الله و ابن عمه الخ
این خطبه شریفه طولانی محل حاجت ذکر مینمایم که می
فرماید الا وان لخروجی علامات عشرة اولها تحریف الرایات
فی ازقة الکوفة و تعطیل المساجد و انقطاع الحاج و خسف
و قذف بخراسان و طلوع الکوکب المذنب و اقتران النجوم
و هرج و مرج و قتل و نهب فتلک علامات عشرة و من

العلامة الی العلامة عجب فاذا تمت العلامات قام قائمنا
قائم الحق ترجمه خطبه از جمله واضحات و مقصود بیان
معنی خسف و قذف در خراسانست که از جمله علامات
دهگانه ظهور حضرت امام زمان عجل الله فرجه است خسف
فرو رفتن زمین است که بصدمه زلزله تقریبا ببیست سال قبل
که شهر قوچان که از بلاد خراسان بصدمه زلزله شدیدی
خسف شده و فرو رفته چنانچه آثار از شهر کهنه باقی
نمانده و شهر نو در قرب قوچان مخسوف ساخته اند و
قذف در لغه بمعنی انداختن است فی القاموس قذف
بالحجارة رمی بها و کشداد المیزان والمرکب والمنجنیق و
در کلام مجید در سوره مبارکه والصافات میفرماید
انا زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب و حفظا من کل
شیطان مارد لا یسمعون الی الملأ الاعلی و یقذفون
من کل جانب دحورا الآیه ظاهر معنی و ترجمه آن آنکه
بدرستی که ما بیاراستیم آسمان نزدیکتر را یعنی آنچه بر
کره زمین اقربست بآراستگان ستارگان را و حفص که یکی از قراء سبع
باضافه خوانده یعنی بیاراستیم آسمان دنیا را و آرایش
ستارگان در کشاف آورده که مراد اشکال مختلفه ایشان
است چون شکل جوزا و هیئات ثریا و بنات النعش و

غیر آن از اشکال چهل و هشتگانه و منازل بیست و هشتگانه
قمر بر نفس منطقه و شمال و جنوبیت قاضی در تفسیرش
مینویسد که کوه ثوابت در کره هشتم و غیر از قمر از سیارات
که وسط کره هشتم واقع است اگر محقق بوده باشد عیب و
قدحی ندارد در نسبت دادن زینت کواکب را با سمان دنیا
زیرا که اهل زمین مشاهده میکنند و میبینند تمام کواکب را
بنیان جواهر روشن مثلا لالی بر سطح کبود آسمان دنیا
باشکال مختلفه و حفظا من کل شیطان مارد و نگاه
داشتیم آسمان را نگاه داشتنی از برآمدن هر دیو سرکشی و
نافرمان نمیشوند یعنی طاقت شنیدن و گوش فرا داشتن
ندارند بسوی سخنان الملاء الاعلی یعنی اشراف ملائکه که مطلعند
بر بعضی اسرار لوح محفوظ و با یکدیگر میگویند و یقذفون
و انداخته میشوند یعنی بر ایشان میافکنند شهب را یا رانده
بشوند من کل جانب دحورا انداختن ان کلولیها محرق و توبیخا
مسلسل است که چون تکرات اجل بر کشند و بارگاه آسمان
جاه حضرت ثامن الائمة علیه السلام بار بد و نیز فرزند
چهارمی آنحضرت بقیة الله فی الارضین و حجة الله علی
الخلائق اجمعین حضرت صاحب العصر و الزمان عجل الله فرجه
در نوشتکه شیخ جلیل معتمد محمد محمد بن محمد بن النعمان المفید

علیه الرحمة الملك الحمید مرحوم میفرماید در ماه صفر
سال چهارصد و ده از هجرت چنانچه در کتاب احتجاج شیخ
طبرسی علیه الرحمه مینویسد توقیع مفصل که محل حاجت ذکر
میشود ستظهر لکم من السماء ایة جلیة و من الارض مثلها بالسویه
و یحدث فی ارض المشرق ما یحزن و یقلق و یغلب من بعد علی
العراق طوایف عن الاسلام مراق تضیق بسوء فعالهم علی اهل
الارزاق ثم تنفرج الغمة من بعد ببوار طاغوت من الاشرار
ثم یستر بهلاکه المتقون الاخیار الخ یعنی زود است که ظاهر
شود از برای شما از اسمان علامت اشکارا و از زمین مثل ان
برابر و حادث شود در مشرق زمین ان چیز که اندوهناك و
غمکین سازد و بی ارام کند اگرچه در مشرق زمین بسی وقایع
حزن اورنده و ارام برنده باشد روی داده است اما بنظر
انصاف و اسلامیت اگر بنگرند هیچ واقعهٔ و حادثهٔ در زمین
مشرق که غم انگیز و حزن اورنده و ارام برنده باشد مسلمین را
علی الخصوص شیعیان و محبین اهل بیت طاهرین حضرت
سید المرسلین را بالاتر از این قضیهٔ هائله مشهد مقدس
رضویه علی مشرفها الاف الثناء و التحیة بکیفیتها نشده
و نخواهد بود که مسلمانان را چه اندازه محزون و شیعیان را
بغربت امام مظلوم جگرها غرقه خون است دیدها جیحون و

خود این حضرت نیز باین مضمون عظیمه وارده اشاره فرموده
است در آن دو بیتی که بقصیده معروفه تائیه دعبل بن علی
الخزاعی ملحق میفرماید چنانچه صدوق علیه الرحمة در کتاب
عیون اخبار الرضا و علی بن عیسی الاربلی در کتاب کشف الغمة
و ابن شهر آشوب در مناقب می‌نویسند که دعبل خزاعی در
مرو بحضور باهر النور حضرت ثامن الائمة الهدی علی بن موسی
الرضا علیه الاف التحیة والثناء مشرف شد و عرض کرد
یابن رسول الله در شان شما قصیده گفته ام و قسم یاد کرده ام
که نخوانم آن را برای احدی مگر آنکه در حضور انور شما انشاد
کنم حضرت فرمودند بخوان قصیده را دعبل خواند مدارس

آیات خلت من تلاوة ومنزل وحی مقفر العرصات

چون دعبل خزاعی علیه الرحمة در بین خواندن قصیده اش رسید
باین بیت

ارى فیئهم فی غیرهم متقسما وایدیهم من فیئهم صفرات

یعنی می‌بینم خراج و غنیمتی که مخصوص بآل رسول الله است
در غیر ایشان قسمت شده و میشود و می‌بینم دستهای
ایشان را که از آن غنیمت خالیست پس این قضیه زیادتی تحسر
و تحزن را میرساند چه با اینکه فیء مخصوص بایشانست چنان
آنها را بی دخل و محروم نموده اند سهمی هم از غنایم برای ایشان
قرار نداده اند حضرت رضا گریستند و فرمودند راست

کفنی ای خزاعی وچون رسید باین بیت اذا وتروا مدّوا الی
واتریهم اکفّا عن الاوتار منقبضات در معنی این شعر
دو احتمالست اول یعنی هرگاه یکی از آل رسول الله بناحق کشته
شود اولیاء دم قدرت و توانائی انتقام و قصاص مقتول را از
قاتل ندارند بلکه اضطرارا و تقیة رجوع میکنند در امور و
و مهمات بسوی قاتلین و باطل کنند کان خون ایشان که
مدّ ید و کفّ کنایه از طلب و حاجت باشد ولو در واقع و ظاهر
مدّ ید نشده باشد و این معنی مبالغة در عظم بلاء و
محنت و بزرگی مقام صبر در بلیّات امیر سانند معنی ثانی کانه
میگوید هرگاه از ایشان مقتولی بناحق کشته شد و خونش
باطل مانده بهدر رفت نه من باب تکاسل اولیاء و عدم
خونخواهی بوده بلکه مدّ ید و کفّ بقتال و اقدام بانتقام و
جدال با قاتلین نمودند ولی از ناسازکاری روزگار فتح و
ظفر نیافتند و کفهای ایشان منقبض از اخذ ثار گردید
اشاره است ببعض وقایع که از عترة طاهره صادر شده
است از تعرض بقتال با اعداء و عدم ظفر ایشان مثل زید
بن علی بن الحسین علیهما السلام و یحیی بن زید و محمّد و ابرهیم
دو پسران عبدالله بن الحسن بن علی علیهما السلام و غیرهم
لیکن حال ایشان چنانست که فروة بن مسیک گفته و حضرت

سيد الشهداء عليه الاف التحية والثناء در روز عاشورا
با اين اشعار متمثل شده فما ان طبنا جبن ولكن منايانا
ودولة آخرينا كذاك الدهر دولته سجال تكر صروفه حينا
فحينا فان نغلب فغلابون قدما وان نهزم فغير مهزمينا
حضرت رضا دو كف مبارك خود را همي بر كردانيده و ميفرمودند
اجل والله منقضيات يعني بلى والله قريبست ومنقضيم
هستند و چون دعبل رسيد باين بيت لقد خفت في الدنيا
وايام سعيها واني لارجو الامن بعد وفاتي يعني هر اينه
بتحقيق من بسبب دوستي ال محمد صلى الله عليهم اجمعين در
ايام انقضاء دنيا يا در ايام زندگاني من و بودن من
در دنيا از اعداء ترسيده ام و البته من هر اينه اميد دارم
امنيت و بي بيمي را بعد از مردنم بدوستي ال محمد صلى الله
عليه واله بروايت كمال الدين محمد بن طلحة شافعي لقد امنت
نفسي بكم في حياتها واني لارجو الامن بعد وفاتي يعني
بتحقيق هر اينه حاصل شد براي من در دنيا و مدت حياتم
امنيت و اسايش بسبب محبت شما ال رسول و بركات شما
و اميد دارم كه بعد از موت هم ايمن باشم حضرت رضا
فرمود امنك الله يوم الفزع الاكبر يعني خداوند عزوجل
تورا ايمن بدارد در روز فزع اكبر يعني در روز قيامت و محشر

11 وچون رسید در اشعارش که قبور آل رسول تعداد می کند
باین شعر وقبر ببغداد لنفس زكية تضمنها الرحمن فی
الغرفات یعنی قبری ببغداد است برای نفس پاکیزه که او را
خداوند رحمن برحمت فروگرفته است در غرفهای بهشت که
ان مرقد منور مطهر حضرت موسی بن جعفر علیهما صلوات الله
الملک الاکبر است حضرت رضا فرمود که میخواهی در اینموضع
دو بیت الحاق کنم که قصیده تو بان تمام شود دعبل عرض کرد بلی
یابن رسول الله پس حضرت رضا علیه السلام فرمود وقبر
بطوس یا لها من مصیبة الحت علی الاحشاء بالزفرات
در نسخه دیگر توقد بالاحشاء فی الحرقات الی الحشر حتی
یبعث الله قائما یفرج عنا الهم والکربات یعنی قبری
در شهر طوس است چه اندازه وچه عجب مصیبتی عظیمه او را است
که پیوسته اتش حسرت در درون احشا (اضلاع) فروزد با نالهای جانسوز
ونفس را در درون سینه می پیچد بقسمیکه پهلو واضلاع انسان از
شدت اندوه وغم اماس وورم میکند تا روز حشر تا روزی که
خداوند تبارک وتعالی برانگیزاند وظاهر گرداند قائمی را که
فرج وگشایش میدهد وزایل میگرداند از ما غمها وکربها
وشدتها را دعبل عرض کرد یابن رسول الله این قبر طوس قبر کیست حضرت
رضا فرمود قبر من غریب است ومنقضی نخواهد شد روزها

وشبهها تا آنکه بگردد شهر طوس محل تردد شیعیان و زائران
من بدرستیکه هرکه در طوس در غربت من زیارت کند مرا
با من باشد در درجه من در روز قیامت با آمرزش از گناهان
چون صاحب قبر مطهر در طوس زاد دعبل دانست این شعر را
گفت علی بن موسی ارشد الله امره وصلی علیه افضل
الصلوات یعنی چون صاحبان قبر علی بن موسی است
خدا باصلاح آورد امر او را و درود فرستد براو بهترین
درودها پس حضرت رضا ع که در این دو بیت ذکر قبر مطهر
خود بچه اندازه مبالغه وتاکید در دو دو مصائب عظیمه
ومحن و بلیه میفرماید از آوردن الف ندا و لام تعجب داخل بر
صغری که بنا نشده است با اسم ظاهر مجرور بمن که تماما ادوات
تاکید است موصوف بجمله فعلیه الحث علی الاحشاء یا روایت
توقد بالاحشاء که تجدد و حدوث را میرسانند که اشاره
است باین مصائب واقعه بعد از شهادت زیرا که در
هیچکدام از قبور آل محمد علیهم السلام مصائب صاحبان قبور در
جز حضرت سید الشهداء باین تاکید اشاره بعظم مصائب ایشان
نشده است و حال آنکه مصیبت موسی بن جعفر بسی شدیدتر بلی
و بزرگتر از مصیبت حضرت رضا علیه السلام است که در حال
حیات نسبت بآن دو بزرگوار وارد شده است و غیره از شا

زسایر ائمه هدی مثل امام حسن مجتبی و حضرت سجاد امام
زین العابدین علیهما السلام و این مطلب برای کسیکه در کتب
احادیث و خبر و تواریخ و سیر سیر کرده باشد پوشیده نیست و
لازم بشرح و بیان مقاتلیه بمصائب وارده بهر یک از آن
بزرگواران نیست فقط اکتفا میکنیم بچند کلمه از فقرات بیست و
پنجم از زیارات جامعه که مجلسی علیه الرحمه در جلد مزار
بحار از سید و مؤلف مزار کبیر که مروی از ائمه هدی علیهم السلام
است روایت میکند زیارت مفصل است عرض میکند و انتم
صریع فی المحراب قد فلق السیف هامته و شهید فوق الجنازة
قد شکت در بعضی نسخ قد شبکت اکفانه بالسهام و قتیل
بالعراء قد رفع فوق القناة راسه و مکبل فی السجن قد رضت
بالحدید اعضائه و مسموم قد قطعت بجرع السم امعائه الخ یعنی
شما ال بیت مصطفی را اولاد زنا شهید کردند بعضی از شما ها را
در محراب عبادت انداختند در حالیکه با شمشیر کین فرق
مبارکش را شکافتند که اشاره بحضرت امیر المومنین علیه السلام
و بعضی را شهید کردند بعد از شهادت در بالای تابوت و سپر
تیر باران کردند چنانچه کفنهای مبارکش با چوبه تیرها سوراخ سوراخ
شده بقسمیکه چوبهای تیرها در کفن مبارکش منتظم و فرو رفته که اشاره
با امام حسن مجتبی ع که بر حسب وصیت آن بزرگوار حضرت امام حسین بعد

از تغسیل و تکفین جنازه آن مظلوم مسموم را با بزرگان بنی هاشم
برداشته بحرم مقدس حضرت رسول صلّی الله علیه واله وسلم
بردند که زیارت و تجدید عهد شود خبر بمروان بن حکم رسید با اشیاع
بنی امیه با بعضی که در کتب و تواریخ بتفصیل مسطور است که
استر سواری خودش را داد و سوارش کرده آمدند که مانع شوند
تا سبط رسول و ریحانه اش را داخل حرم مبارک جدش نمایند
و امر کرد تا جنازه مقدس مطهر جگر گوشه بتول را تیر باران نمودند
بروایت ابن شهراشوب در مناقب هفتاد چوبه تیر از آن تیرها
بر کفن مبارک امام حسن مجتبی نشست که بیرون کشیدند شیخ کلینی
در کافی از محمد بن مسلم روایت میکند از حضرت امام محمد
باقر علیه السّلام که چون حضرت امام حسن مجتبی را زمان
احتضار در رسید بحضرت امام حسین علیه السّلام
فرمود ای برادر من ترا وصیتی میکنم محفوظ دار وقتیکه من مردم
مرا غسل ده و کفن نما و ببر مرا در سر تربت رسول خدا تا عهدی
تازه کنم و بعد ببر مرا بر سر تربت مادرم فاطمه زهراء صلوات
الله علیها پس از آن مرا بگردان در بقیع بخاک بسپار و بدان
که بمن خواهد رسید از آن شخص آنچه را که مردم میدانند از
کردار او و دشمنی او بخدا و رسول و بما اهل بیت پس چون

حضرت امام حسن مجتبی رحلت نمود حضرت امام حسین ۱۵
انحضرت را بر سریرش گذارد و بردند جنازه مطهرش را
بمکانیکه حضرت رسول خدا صلی الله علیه واله در انجا بر
جنازه حضرت نماز بگذارد پس بران بزرگوار نماز گذاردند
بعد از ان برداشتند جنازه مطهرش را و داخل در مسجد
نمودند چون نزدیک قبر مقدس حضرت رسول رسانیدند
خبر بان شخص رسید که میخواهند جنازه حضرت امام حسن را
با حضرت رسول دفن کنند پس بیرون امد در حالتیکه بر استر
زین دار سوار بود و او اول کسی بود که در اسلام با استر زین
سوار شد و امد بحضرت امام حسین و بنی هاشم گفت دور
کنید پسر تان را از خانه من که بدرستی که چیزی دفن نخواهد شد
و هتک حجاب و حرمت پیغمبر نخواهد شد حضرت امام حسین
فرمود تو از قدیم با پدرت حجاب و حرمت حضرت رسول خدا را
هتک نمودید و داخل کردید بخانه انحضرت کسی را که رسول
خدا نزدیکی او را دوست نداشت و خداوند در این باب از
تو سئوال خواهد فرمود بدرستیکه برادرم امر فرمود مرا
که جنازه او را نزد قبر مطهر جد بزرگوارش رسول خدا بیاورم
تا تجدید عهدی نماید و بدانکه برادرم دانا تر است از مردم بخدا
و رسول او و دانا تر است بتاویل کتاب الله از اینکه هتک ستر

از پیغمبر خدا کند زیرا که خدا تعالی میفرماید یا ایها الذین
امنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یوذن لکم ظاهر معنی (اجازه) و اجازه
انکه ای انکسانیکه ایمان اورده اید داخل نشوید بخانهای
پیغمبر مگر انکه شما اذن داده شود و بتحقیق که تو داخل کردی (درخانه)
پیغمبر رجال را بغیر اذن انحضرت که مقصود از جمیع حضار من
هم بوده باشند وقد قال الله عز و جل یا ایها الذین امنوا لا
ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی ولعمری لقد ضربت انت
لابیک وفاروقه عند اذن رسول الله المعاول وقال الله عز و
جل ان الذین یغضون اصواتهم عند رسول الله اولئک الذین
امتحن الله قلوبهم للتقوی ولعمری آنه لقد ادخل ابوک وفاروقه
علی رسول الله بقربهما منه الاذی وما رعیا من حرمته
ما امرهما الله به علی لسان رسول الله ان الله حرم من المؤمنین
امواتا ما حرم منهم احیاء الخ یعنی بتحقیق خدای عز و جل
فرموده است ای انکسانیکه ایمان اورده اید بلند نکنید
صداها و اوازهای خود تانرا بالای صدای پیغمبر یعنی چون
سخن گوئید اواز خود بلند تر از اواز وی بر مدارید و بجان خودم
هر اینه بتحقیق زدی تو برای پدرت و فاروقش نزدیک گوش رسول
خدا کلنگ ها را برای کندن قبر و فرموده است خدای عز و جل بدرستی
که انان که فرو میدارند اوازهای خود را نزدیک رسول خدا و بادب

واو از نرم سخن میگویند آن گروه آنانند که امتحان کرده است خدا
دلهای ایشانرا برای قبول تقوی یا پاکیزه کرده است سبحانه دلهای
ایشانرا وآزمودن بمعنی پاک کردنست همچنانکه زررا در کوره
خلاص نهند تا غشها بسوزد وطلای خالص بماند گویند که
این زر آزموده است وبجان خودم بدرستی که هر اینه داخل
کرد پدرت وفاروق او بر رسول خدا بسبب نزدیکی ایشان
بآنحضرت رنج وآزار را ورعایت نمودند از حق وشان آنحضرت
آنچه را که خدا امر فرموده است بایشان بر زبان رسول خدا که
البته خداوند حرام فرموده است از مومنین در حال ممات ایشان
آنچه را که حرام نموده است در حال حیوتشان خبر مفصل است
محل حاجت ذکر وترجمه شد فاضل مجلسی رحمه الله را در
شرح کتاب مرات العقول که شرح کافی است در شرح این خبر
بیانات است شافی میگوید فهذه الاخبار تدل علی ان فی هذه
الکلمات مصلحة وتوریة بان یکون المراد بهتك الستر
المحاربة التی کانت توقع فی ذلك عند ضریحه المقدس یعنی
پس این اخبار که شیخ کلینی ذکر کرده است دلالت میکند
بر اینکه در این کلمات حضرت امام حسین علیه السلام
مصلحت وتوریه است در آنجا که فرمودند برادرم داناتر
ترین مردم است بخدا ورسول وتاویل قرآن از اینکه

۳۲۰۵۲۳
۲۳۹۵۲۳
ج ۱ ۳۰۴۰۱

۱۸

هتک ستری از پیغمبر خدا صلی الله علیه واله وسلم کرده باشد مقصود و مراد از هتک ستر محاربه وجنگی بوده باشد که مترصد بود در این موقع واقع شود نزد ضریح مقدس نبوی صلی الله علیه واله واذن ندادن وجایز ندانستن انحضرت دفن جسد شریف را در حرم مقدس برای شمول مفسده بود از قتال وجدال که انها هتک ستر است نه نفس دفن و بیگانه رسول در نزد خدا نزد کوار که بالارث از خانه حق داشت ویدل علی عدم جواز دخول بیت النبی الذی دفن فیه لمن لا یعلم الاذن بل غیره من الائمة علیهم السلام المدفونین فی بیوتهم الآن یقال اذنهم فی الزیارة من قرب بالهیئات المنقولة اذن فی الدخول مع انهم علیهم السلام رخصوا لشیعتهم فی التصرف فی اموالهم فی حال غیبتهم ویدل علی ان الایة شاملة لما بعد الوفاة ایضا ویثبت ذلک بقول النبی حرمة المؤمن میتا کحرمته حیا کما یوحی الیه اخرا والاستدلال امنع ضرب المعاول بالنهی عن رفع الصوت بالقیاس بالطریق الاولی او منصوص العلة اذ یظهر من الایة ان العلة فی ذلک رعایة الادب والاکرام والاحترام الذی یجب رعایته له فیدل علی منع رفع الصوت عند ضریحه المقدس بغیر ضرورة بل

رفع الصوت في الزيارة عنده وعند ضرايح الائمه من اهل
بيته بحيث يخرج عن الاداب لما ورد من ان حرمتهم واجبة
وحقهم واحد دلالت ميكند بر جايز نبودن داخل شدن
بخانهٔ كه پيغمبر صلى الله عليه واله دران مدفون شده براى
كسيكه غيراند ماذونست بلكه در غير از حضرت رسول صلى الله
عليه واله از ائمه معصومين عليهم السلام كه در خانه خود
مدفون نشده اند مگر انكه گفته شود اذن دادن حضرت رسول
صلى الله عليه واله وائمه هدى عليهم السلام زائرين
قبورشان را از نزديك بهشتهاى وارده ومنقوله از
خودشان كه داخل حرم بايد شد و بالاى سر مبارك چه
دعا بايد خواند پائين پا چه گفت صورت بضريح مبارك
بايد گذارد و بوسيدن قبر مبارك يا ضريح اينها خود اذن
است در دخول علاوه بد رستيكه ايشان رخصت داده اند
شيعيان خوشان را در تصرف كردن در اموال ايشان در
حال غيبت ايشان و دلالت ميكند بر اينكه ايه مباركه شامل
است بر بعد از وفات نيز با انكه شمول حكم بعد از وفات
ثابت ميشود بفرمايش حضرت رسول كه فرموده است حرمة
المؤمن ميتا كحرمته حيا يعنى احترام مؤمن در ممانتش مثل
احترام او است در حال حياتش چنانچه حضرت امام حسين

در اخر انخبر اشاره فرموده است و استدلال انحضرت برای
قبح زدن کلنک ها نزد قبر مطهر حضرت خیر البشر صلی الله
علیه و اله باية مباركه نهی از رفع صوت بقیاس بطریق
اولیت زیراکه انسان که اشرف مخلوقست و مخلوق موضوع
شده است برای تکلم و محتاج است بگفتن و شنودن
و مأمور است بسؤال و اخذ مسائل دینیه مع هذا نهی
شود از بلند کردن اواز البته زدن کلنک ها بر زمین که از
خوردن دو جماد باهم صداهای ناهنجار بلند شود قبیح تر
خواهد بود و یا انکه قیاس منصوص العلة است زیرا که از
ایه مبارکه ظاهر میشود اینکه علة در بلند نکردن اواز نزد ان
حضرت رعایت ادب و گرامی نمودن و حرمت داشتن است
که واجب است رعایت ان برای انحضرت پس دلالت میکند
بر قبیح بودن بلند کردن اواز نزد ضریح مقدس حضرت رسول
بدون ضرورتی بلکه در خواندن زیارت اواز را بلند نمودن
در نزد قبر مطهر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم و در
نزد ضرایح متبرکه ائمه معصومین از اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و
علیهم اجمعین بقسمیکه از رعایت اداب خارج شود شمول حکم
این ایه مبارکه بضریح مبارکه ائمه معصومین علیهم السلام
نیز بجهة اخباریست که وارد شده است که احترام حضرت

رسول صلی الله علیه و اله و ائمهٔ معصومین علیهم السلام
یکی است و پاس حقوق ایشان یکی است تمام شد بعض تحقیقات
فاضل مجلسی اعلی الله مقامه مولف گوید اگر چه شواهد بسیار
دلالت میکند بر اینکه بیوت و ضرایح ائمهٔ معصومین صلوات
الله علیهم اجمعین حیا و میتا بیت نبی صلی الله علیه و اله
است و در حکم بیت نبی صلی الله علیه و اله است روایتی
است که ابن بابویه از ابی بصیر روایت میکند که گفت وارد مدینه
منوره شدم با من بود کنیزکی با او مجامعت کردم بیرون امدم
بحمام بروم ملاقات کردم جماعتی از رفقای شیعه را که
میرفتند بحضرانور حضرت صادق جعفر بن محمد ع ترسیدم
که حمام بروم ایشان زودتر شرفیاب حضور باهر النور امام
علیه السلام بشوند و وقت شرفیابی من فوت شود با ان
جماعت همراه شده رفتیم تا اینکه داخل بیت الشرف حضرت
صادق شدیم همین که مقابل شدم با حضرت نگاهی بمن کرده
فرمود ای ابا بصیر ایا ندانسته اینکه البته داخل نمیشود جنب
بخانهای انبیاء و اولاد انبیاء الخ این حال حیوة ایشان در حال
ممات مجلسی در کتاب مزار بحار در باب زیارات جامعه که در
ضریح هر یک از ائمه طاهرین علیهم السلام وارد شده اشاره
که میتوان این زیارت را خواند زیارت جامعه معروفه است

که مرفوع او حضرت امام علی النقی علیه السلام است مضمونا
اذا دخلت المشهد فقف علی الباب مستقبل القبله وقل
اللهم انی قد وقفت علی باب بیت من بیوت نبیک محمد
صلوات الله علیه واله وقد منعت الناس الدخول الی بیوته الا باذن
نبیک فقلت یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا
ان یؤذن لکم اللهم وانی اعتقد حرمة النبی فی غیبته
کما اعتقدها فی حضرته واعلم ان رسلك وخلفاءك احیاء
عندك یرزقون یرون مکانی فی وقتی هذا وزمانی ویسمعون
کلامی ویردون علی سلامی الخ یعنی چون داخل بارگاه و
محل دفن شدی دم در بایست روی بقبله و بگو بارالها
بدرستیکه من ایستاده ام بر در خانه از خانهای پیغمبر تو محمد
صلوات الله علیه واله وبتحقیق که منع فرموده مردم را از داخل
شدن بخانهای انحضرت مگر باذن واجازه پیغمبرت پس فرموده
ای ایمان کسانی که ایمان آورده اید داخل نشوید بخانهای پیغمبر
مگر انکه بشما اذن داده شود بارالها بدرستیکه من معتقدم
حرمت پیغمبر تو را در غیبت انحضرت چنانچه اعتقاد دارم
در حضورش و میدانم البته رسولان و خلفاء تو زنده اند و
در نزد تو مرزوق هستند روزی میخورند می بینند مکان مرا
در این وقت من و زمان من و میشنوند گفتگوها و سخن گفتن مرا

وبرميگردانند بر من سلام مرا يعنى جواب سلام مرا ميدهند
هيچنانكه ايشان نور واحداند وطينتشان واحده است كه لفظ
در اين باب متواتر بل متواتر است كه ذكرش موجب اطاله
واطناب هيچنين تربت شريفشان هم واحد است فى التهذيب
محمد بن احمد بن داود القمى عن الحسين بن احمد بن ادريس عن
ابيه عن الحسن بن على الدقاق عن ابرهيم الزيات عن محمد بن
سلمان عن زرقان عن على بن محمد العسكرى ع قال قال لى يا
زرقان ان تربتنا كانت واحدة فلما كان ايام الطوفان
افترقت التربة فصارت قبورنا شتى والتربة واحدة
قال رسول الله من زارنى او زار احدا من ذريتى زرته يوم
القيمة فانقذته من اهوالها يعنى زرقان گفت حضرت
امام حسن عسكرى ع بمن فرمود اى زرقان بدرستيكه تربت
ما يكى بوده است پس چون ايام طوفان شد متفرق كرديد آن تربت
پس قبرهاى ما پراكنده شد ولى تربت ما يكى است حضرت
رسول الله فرمود هر كس زيارت كند مرا يا زيارت كند يكنفر
از ذريه مرا در روز قيامت او را زيارت ميكنم و نجات ميدهم
او را از اهوال روز قيامت در خبر ديگر است يوم جلس
رسول الله وجاء الحسين واجلسه على فخذه وقبل عينيه
ونحره وقال ولدى انا وابوك وامك واخوك ولستنه مزوله

ادفن فى تربتك قال يا جداه كيف تدفنون فى تربتى وقبورنا
شتى قال ولدى يوم نزل بنا الموت هبط جبرئيل واخذ من تربة
نا نزلك مقدارا يحيط اجسادنا يعنى روزى حضرت رسول
خدا صلى الله عليه واله نشسته بود حضرت امام حسين
امد انحضرت ورا بر زانوى مباركش نشانيد چشمان حق بين
وكلوى نازكش را بوسيد و فرمود اى فرزند دلبندم من
و پدرت و مادرت و برادرت و نه نفر از اولادت مدفون
خواهيم شد در تربت تو عرض بزرگوار چگونه مدفون میشوید
شماها در تربت من وحال انكه قبرهاى ما پراكنده است
حضرت رسول فرمود اى فرزند من روزى كه مرگ ما وادر
رسد جبرئيل امين فرود ايد واز تربت جابر شريف تو برمى
دارد باندازه كه جسدهاى طاهر ما را فراگيرد پس اى عزيزان
اگر زدن كلنك نزد قبر مطهر براى دفن بعض اصحاب پيغمبر هتك
حرمت وسوء ادب است حرمت ائمه معصومين وحق ايشان
با حضرت رسول صلى الله عليه واله چنانچه گذشت واحترام
واحترام حال حيات ومماتشان مساوى است و بودنشان نبى
ود در حكم واحد است و تربت ايشان واحد پس چه گذشت بر حضرت
رسول خدا وحضرت امير المؤمنين وحضرت صديقه كبرى فاطمه
زهراء وسائر ائمه هدى صلوات الله عليهم اجمعين از صدا

توپها و تفنکهای دشمن که از صحن و مسجد و رواق و حرم مقدس حضرت
ثامن الائمه الهدی علی بن موسی الرضا علیه الاف التحیة
والثناء بلند شده بگنبد فلک مبنا رسید و گلولهای مجرب
و شرپنل که بر گنبد و بارگاه اسمان جاه و ضریح مقدس
انحضرت زدند که در حقیقت این گلولها بر حرم مبارک حضرت
رسول و حضرت امیر المومنین و حضرت بتول و حسنین
و سایر ائمة معصومین صلوات الله علیهم اجمعین
خورده است و اگر دخول مسلمین بدون اذن ایشان
هتک حرمت است و منهی پس دخول عساکر کفار با حربه
و سلاح و کشتن چندین نفوس محترمه بدون تقصیر و گناه
از مرد و زن مجاور و زائر و تصرف داشتن محوطه صحن و مسجد
گوهرشاد و حرم مبارک را چند روز که احدی از زوار و
خدام داخل نشوند و خودشان با دواب و کلاب منزلگاه
خود کرده بودند سبحان الله چه اندازه هتک حرمت و
ایذاء خدا و رسول و علی مرتضی و بتول علیهم السلام است
مقتولین در حرم محترم اکثر از زوار و غرباء بودند که از اطراف
و اکناف عالم بزیارت امده بودند و بعضی ها بواهمه اینکه مبادا
شهر را بتوپ بباد داده و گلوله باران نمایند و بحرم البته سوء ادبی
نخواهند کرد و امن است ملتجی بحرم مبارک شده در انجا هدف

کلوله توپ وتفنك شدند وحال آنکه فقهاء امامیه رضوان
الله علیهم متعرض هستند باین مسئله هم در کتاب حج وهم در کتاب
حدود که اگر کسی را در خارج حدّی بر او وارد شده باشد وملتجی
بحرم خدا که مکّه است بشود مادامیکه در حرم است حدّ
بر وی جاری نمیتوان کرد زیرا که خدا میفرماید وَمَن دَخَلَه
کَانَ آمِنًا واو را از حرم محترم زجرا وعنفا بیرون نتوان
آورد بلکه سخت میگیرند در طعام وشراب وغیره تا آنکه
آمده خود خارج شود از حرم بعد از آن حدود الهیّه را
با وجاری میکنند وهمچنین است در حال در حرم رسول و
مشاهد متبرکه ائمه هدی علیهم السّلام چنانچه شیخ
مفید در مقنعه وشیخ الطّائفه شیخ طوسی در تهذیب
ونهایه وغیرهما تصریح نموده اند قال الشیخ في النهاية ولا يقام
الحدّ ايضا على من التجأ الى حرم الله ورسوله او حرم احد من
الائمّة بل يضيق عليه في المطعم والمشرب ويمنع من مبايعته
ومشاراته حتى يخرج فيقام عليه الحدّ وقال في موضع منه
وان كان انما فعل في غير الحرم ثم التجأ اليه ضيق عليه في المطعم و
المشرب ومنع من مخالطته ومبايعته الى ان يخرج فيقام عليه
الحدّ وكذلك الحكم في مشاهد الائمّة عليهم السّلام مثل
ذلك ۲ فشيء ذكره الشيخان وهو حسن وقال الحلي في السرائر

وفی زمانه لنجات العباد وغیرهم لاطلاق اسم الحرم علیها فی بعض النصوص و
هو مناسب للتعظیم این حکم کسی است که در خارج جنایتی کرده باشد حدی
یا قصاصی بر او وارد شده باشد و پناه بحرمین شریفین و مشاهد ائمه معصومین
بیاورد پس چگونه خواهد بود حال زائرین و عجزه و مساکین بیگناه و یا
اشخاصیکه از ترس جان یا ظلما پناه برده والتجاء باستان مبارک آورده
باشند بعضی تصریحا لا افعالهم گفتند اشخاصیکه ملتجی شده و نمیدانند بحرم حضرت
ثامن الائمه از اشرار و الوار بودند عارفی خوب جوابی داد گفت بر فرض بودن
انها از اشرار بل فساق حال خباثت انها از نمرود و شیطان و فرعون و
هامان بدتر نبود که هرگاه اسامی انها در خارج نوشته شود سزاوار است
بسوزانند و اب دهان انداز نند و در مزبله و قاذورات افکنند اما نامهای که
در قران مکتوب هستند باید انها را جلیلی محترم شمرد و بدون طهارت نبود کش
و بعضی را با تیغ کین کشتند و بخاک و خون اغشتند و بدن مبارک
در صحرای کربلاء و قضاء زیر اسمان در افتاد بکم کربلا انداختند
و سر مقدسش را بالای نیزه زده بلند کردند که اشاره بمظلوم
آل عبا خامس اصحاب کساء حضرت سید الشهداء علیه السلام
که مصائب ان بزرگوار باین اختصار نیست و در هزار هزار کتب
و اسفار تواریخ و اثار و مقاتل و اخبار مسطور بل در صفحات
روزگار مضبوط و مشهور است که برادر مظلوم مسموم‌ش حضرت
امام مجتبی در حقش فرمود لا یوم کیومک یا ابا عبدالله شاعر علوی

شاعوا بقتل علی وسط قبلته	حقدا و ثنوا بسم لابنه الحسین
واظهروا ویلهم راس الحسین علی	رمح یطاف به فی سائر المدن

شد الان رسول الله جدهم اوصى بحفظهم في السر والعلان و
بعضی را به بند و زنجیر مقید و در محبس و زندان محبوس و مخلد نمودند
چنانچه اعضاء بدن مبارکش از صدمه و زخمهای زنجیر و کند آهنین
خورد و کوفته شد اشاره است بحبس و مصیبت حضرت موسی بن
جعفر علیهما صلوات الله الملک الاکبر و بحضرت امام زین العابدین علی
بن الحسین صلوات الله علیهما نیز شامل است زیرا که آن بزرگوار را
نیز با غل جامعه مقید و چون اسیر روم و زنگبار در بازار بدبار بردند که میفرمود
افاذ لیلا فی دمشق کانبی من الزنج عبد غاب عنه نصیر جامعه
آن غل و زنجیر است که دستها را بگردن جمع میکند این امام مظلوم علاوه
بر اسیری و مقید بغل جامعه مسجون و محبوس در زندان هم شد
چنانچه صدوق علیه الرحمه در کتاب امالی باسناد خود از ابو نعیم
و او از حاجب عبید الله زیاد ملعون روایت میکند وقایع مجلس
مشئوم آن حرام زاده ملعون را بعد میگوید ثم امر بعلی بن الحسین
فغل وحمل مع النسوة والسبايا الى السجن فكنت معهم فما مررنا
بزقاق الا وجدناه ملاء رجالا ونساء يضربون وجوههم ويبكون
فحبسوا في سجن وطبق عليهم یعنی بعد از ورود اهل بیت حسین علیهم
السلام بکوفه و انعقاد مجلس و حکایت طشت و سر مبارک آن امام مظلوم

عبید الله لعین امر کرد حضرت امام زین العابدین علیه السلام را غل
کردند مؤلف گوید حضرت سجاد علیه السلام را ببعض روایات ابن
سعد در کربلاء غل کرده بود چنانچه در مجالس مفید و امالی شیخ طوسی
از جذلم بن ستیر روایت میکنند که در محرم سال شصت و یک هجری وارد
کوفه شدم وقتیکه حضرت علی بن الحسین علیهما السلام با زنان
از کربلا میامدند و لشکر انها را احاطه کرده بود و مردم کوفه بیرون
امده بودند بتماشای انها پس چون مقابل شدند با مردم کوفه
بر شترهای بی جهاز زنان کوفه شروع کردند بگریستن و فریاد و ناله
و زاری نمودن پس شنیدم علی بن الحسین را که بصدای ضعیف میفرمود
و حال انکه مرض و بیماری ان بزرگوار را در شدت ضعف و تعب
انداخته بود و در گردنش جامعه بود و دست مبارکش بگردنش
غل شده بود میفرمود بدرستیکه این زنان کوفه میگریند پس کی ما را کشت
الخ و از روایت مسلم جصاص این نیز معلوم میشود پس این غل که امر
کرد ابن زیاد بر ان امام بیمار نهادند شاید غل مخصوصی بوده است که بر محبوسین
میکنند و چند که حالا معروف بکند است یا غلی بر روی ان غل نهاده باشند
برای تشدید عذاب و اذیت و ضجر بلانهایت و بردند انحضرت را با
زنهای اهل بیت انحضرات پرده عصمت و طهارت و اسرای ال محمد
بسوی زندان راوی میگوید من با ایشان بودم از هر کوچه و در بندی

عبور نمیکردیم مگر آنکه پر و مملوّ از مرد و زن میدیدیم که آنها بن
بصورتهای خود لطمه میزدند و میگریستند پس امام مظلوم بیمار
با زنان و اسیران محبوس کردند در زندان و سران زندان را
نپوشیدند بروایت طبق علیهم گویا مثل چاه جائی در زیر زمین بوده
بروایتی وضیق علیهم یعنی بر آن مظلومان سخت گرفتند که
این سخت گرفتن یا از حیث طعام و شراب باشد یا اینکه
در زندان علاوه بر حبس آزار و اذیت و شکنجه نیز میکردند
این حبس در ایام توقف کوفه بود در محبس عبید الله زیاد
علیه اللعنة والعذاب در شام هم امام علیه السلام را با
سایر اسرای اهل بیت یزید پلید حبس کرد چنانچه در امالی
صدوق است که از فاطمه دختر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
باسنادش روایت میکند ثم انّ یزید لعنه الله امر بنساء
الحسین ع فحبسن مع علیّ بن الحسین ع فی محبس لا یکنّهم من
حرّ ولا قرّ حتّی تقشّرت وجوههم ولم یرفع ببیت المقدّس
حجر عن وجه الارض الا وجد تحته دم عبیط وابصر الناس
الشمس علی الحیطان کانّها الملاحف المعصفرة الی ان خرج علیّ
بن الحسین بالنسوة فردّ راس الحسین ع بکربلاء یعنی فاطمه بنت
امیر المؤمنین ع میفرماید بعد یزید پلید لعنه الله امر کرد زنها و عیالات

حضرت سیّد الشهداء علیهم السّلام را با علی بن الحسین ع ۳۱
حضرت امام زین العابدین ع حبس کردند در زندانی که ایشانرا از
گرما و سرما نمی پوشاند تا انکه صورتهای مبارکشان پوست
داد و کنده و ریخته شد و در بیت المقدس هیچ سنگی را
از روی زمین بر نمی داشتند مگر انکه در زیر ان سنگ خون
تازه میدیدند و مردم افتاب را بر دیوارها سرخ میدیدند
گویا لباس و چادریست که بسرخی رنگ شده و این حالت بود
تا انکه سیّد سجاد حضرت امام زین العابدین ع با زنان اهل
بیت بیرون امدند و سر مطهر سیّد الشهداء علیه الاف التحیة
والثناء را بکربلاء برگردانیدند و بجسد مقدس ملحق ساختند
بیرون امدن حضرت سجاد با زنان اهلبیت علیهم السّلام
احتمال دارد از حبس باشد یا از شام بسوی مدینه منوّره پس
حضرت امام زین العابدین علیه السّلام هم مقیّد و مکبّل بود
وهم مسجون و محبوس وهم مصداق قد رضّت بالحدید اعضائ(۳)

چنانچه مجلسی علیه الرحمة در جلد عاشر بحار از مسلم جصّاص
روایت میکند ان خبر معروف را که میگوید در کوفه در دار الامارة
عبید الله بن زیاد ملعون مشغول مرمّت و گچکاری و اصلاح عمارت
بودم ناگاه شنیدم صدای بانگ و فریاد از اطراف شهر کوفه
بلند شد از خادمی که با ما بود گفتم الاسر کار ما عمل و بنا میگویند

۳۷ در سر بنائی میکارند جویا شدم که چه شده است شهر
کوفه را که مردم بفریاد آمده اند گفت الساعة سر خارجی که
بر یزید پلید لعنه الله تعالی خروج کرده بود آورده اند گفتم
این خارجی کیست گفت حسین بن علی فسلم گفت صبر کردم
همین که آن خادم رفت چنان دست خود را بر صورتم زدم
که ترسیدم چشمانم کور شود و دست خود را از گچ شستم و از
پشت قصر بیرون آمدم و بکناسه کوفه آمدم در آن بین که ایستاده
بودم و مردم کوفه هم منتظر رسیدن اسراء و سرها بودند ناگاه
چهل شتر که چهل پاره چوب و تخته بر آنها بود که در آنها حرم
و زنان و اولاد طاهرین حضرت فاطمه و امیر المؤمنین علیه
السلام بود آمدند و ناگاه دیدم حضرت علی ابن الحسین را که بر
شتر بی جهاز و پوشاکی سوار است در حالیکه خون از
رگهای گردن مبارکش میجهید و جاری بود و آن امام بیمار
با آن حال زار میگریست و میفرمود یا امة السوء لا سقیا
بربعکم یا امة لو تراعی جدنا فینا لو اننا و رسول الله
یجمعنا یوم القیمة ماذا تقولونا تسیرونا علی الاقتاب
عاریة کاننا لم نشید فیکم دینا تصفقون علینا کفکم
فرحا و انتم فی فجاج الارض تسبونا الخ از این روایت معلوم
میشود که گردن آن امام بیمار و سید ابرار را صدمه غل و زنجیر

کردن کربلا برا نمط الوم نهاده بودند چنانکه کوفته و مجروح
ساخته بود کرده راندك زمانی خون از رکهای گردن مبارکش جاری
بوده همچنین در شام منهال بن عمر حضور مقدس آنحضرت سید
بروایت سید جزائری در انوار نعمانیه میکوید در بین آنکه
من در بازار دمشق راه میرفتم ناکاه حضرت علی بن الحسین را
دیدم که تکیه بعصا داده و در پای مبارکش کویا دو پاره نای
بود و خون از دو ساق مطهرش میریخت خبر مفصل است
محل حاجت ذکر شد پس این مظلوم نیز مصداق قد رضت
بالحدید اعضاؤه شد ولی در حق موسی بن جعفر ع این فقره
زیارت و مکبل فی التجر قد رضت بالحدید اعضاؤه ظهورش
بیشتر است یکسال در بصره در حبس جعفر بن منصور بود
مرتبه ثانیه در بغداد هرون الرشید ملعون آنحضرت را
بحبس سندی بن شاهك ولد الزنا داد و غیره بغداد داد
و هفت سال یا هشت سال در محابس تنك و تاریکی آن
امام مظلوم را محبوس و بانواع شکنجه و عذاب معذب میداشت
چنانچه در فقره زیارت مخصوصه آنحضرتست که مجلسی در مزار
بحار نقل میکند زیارت طولانی است بعض فقراتش را که محل
حاجت است مینکارم وصل علی موسی بن جعفر وصی الابرار
و امام الاخیار و عیبة الانوار و وارث السکینة والوقار

والحکم

والحکم والآثار الذی کان یحیی اللیل بالسهر الی السحر بمواصلة
الاستغفار حلیف السجدة الطویلة والدموع الغزیرة و
المناجات الکثیرة والضراعات المتصلة ومقر النهی والعدل
والخیر والفضل والندی والبذل ومالف البلوی و
الصبر والمضطهد بالظلم والمقبور بالجور والمعذب فی قعر السجون
وظلم المطامیر ذی الساق المرضوض بحلق القیود والجنازة
المنادی علیها بذل الاستخفاف والوارد علی جده المصطفی
وابیه المرتضی وامه سیدة النساء بارث مغصوب
وولاء مسلوب وامر مغلوب ودم مطلوب وسم مشروب
الخ یعنی خدایا بسیار درود و رحمت خود را بفرست بموسی بن جعفر
وصی نیکوکاران وپیشوای کرم داران و بزرگواران
جامه دان نورها و وارث آرامش وآهستگی مراد از سکینه
تقویت قلب وامنه وطمانینه است ومراد از وقار علم و
بردباری با عظمة وبزرگواریست و وارث حکمتها که دانستن
حقایق اشیاء است خلفا عن سلف نقل شده باشد
آنچنان امامیکه پیوسته شب را تا بصبح بیدار بود و
بعبادت پروردگار بوصل نمودن باستغفار چه
استغفار در سحرها خیلی ممدوح است اشاره است
بایه شریفه وبالاسحار هم یستغفرون یعنی از اول شب

مشغول نماز و عبادت و راز و نیاز با پروردگار بود تا آخر شب
و سحر که بوصل نمودن با استغفار چه استغفار در سحرها
خیلی ممدوح است و در اسحار هم عهد و هم قسم با
سجدهٔ طولانی و اشك چشم بسیار کنایه از مداومت
و ملازمت بسجده و گریه است چنانچه اشاره باشد
بآیهٔ شریفه و انزل الله سکینته علی رسوله و در
زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
است السلام علی صاحب الوقار و التسکینة و ائمه
ائمهٔ هدی علیهم صلوات الله مثل حضرت امام
حسن مجتبی و حضرت سجاد امام زین العابدین
صلوات الله علیهما که قبر شریفش مانند جنازهٔ
حسن مجتبی لشکر و سیاه تیرباران نمودند
چنانچه جنادة بن ابی امیه از حسن مجتبی نقل نموده و اذا اردت
عزا بلا عشیرة و هیبة بلا سلطان فاخرج من ذل
معصیة الله الی عز طاعة الله عز و جل عن علی بن یقطین عمن ذکره
عن ابی عبد الله ع قال ان الاشعث بن قیس شرك فی دم امیر المؤمنین
و ابنته جعدة سمت الحسن و محمد ابنه شرك فی دم الحسین مؤلف
ابن وجیزه میگوید کسانی که دلیل و راهنمای لشکر و سپاه و باغی و هتك
حرم ملائك خدم علی بن موسی الرضا شدند شریك لشکر شیطان و خود دنیا شدند

خاتمه

ان لعن یزید بن معویه علیهما اللعنة والهاویة من ضروریات
الدین کما تدل علیه اخبار الخاصة والعامة والشاهد بذلك
قول الله عزوجل فی سورة الاحزاب ان الذین یؤذون الله ورسوله
لعنهم الله فی الدنیا والاخرة واعدلهم عذابا مهینا طریق استدلال
بروجوب لعن یزید بن معویه واتباع ایشان علیهم اللعنة
والهاویة تمسکا باخبار متضافرة بل متواترة از علماء خاصة
وعامة رضوان الله علیهم قال النبی یا علی حربك حربی وسلمك
سلمی ولحمك لحمی ودمك دمی ومن حاربك فقد حاربنی ومن
حارب الله وهمچنین خبر شریف از طرق عامه وخاصه چنانچه
از عایشه ام المؤمنین رضی الله عنها روایت شده از حضرت
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم انه قال حسین منی
وانا من حسین لحمه لحمی ودمه دمی وهمچنین از اخبار متضافره
متواتره که بحد تواتر رسیده از طرق علماء عامه روایت
شده قال رسول الله صلی الله علیه واله وسلم فاطمة بضعة
منی من اغضبها فقد اغضبنی ومن اذاها فقد اذانی ومن

اذانی فقد اذی الله و در بعضی نسخ حدیث از عایشه ام
المؤمنین رضی الله عنها وارد است فمن اذاها بعد وفاتی
فقد اذانی ترجمه اخبار نبویه انکه اذیت و ازار وصی
رسول و ازار دخترش فاطمه بتول و جگر گوشه ریحانه
خاتم انبیاء حضرت سید الشهداء علیهم صلوات الله
ملک الارض والسماء عین اذیت خاتم انبیاء و محاربه
با خداوند متعالست قال رسول الله فی حین وصیته
لما رفع راسه الیهم ویدها فی یده فوضعها فی ید علی ع
وقال له یا ابا الحسن هذه ودیعة الله و ودیعة رسوله
محمد صلی الله علیه واله وسلم فاحفظ الله واحفظنی
فیها یعنی صدیقه کبری در دست رسول خدا دست بود مهاجر
وانصار را فرمود ایها الناس فاطمه پاره تن و ودیعه
من است و ودیعه من ودیعه خداست حفظ نمائید
ودیعه مرا که عین ودیعه خداست و در اخبار وارد است
که رسول خدا فرموده است چنانچه فاطمه قلب من است
و فاطمه روح من است در امالی صدوق از حضرت رضا
روایتست انه قال رجل من اهل خراسان یابن رسول
الله رایت رسول الله فی المنام کانه یقول لی کیف انتم اذا
دفن فی ارضکم بضعتی فاستحفظتم ودایعتی وغیب

فی ثراکم نجمی فقال له الرضا انا المدفون فی ارضکم وانا بضعة من نبیکم وانا الودیعة والنجم الا فمن زارنی وهو یعرف ما اوجب الله تبارک وتعالی من حقی وطاعتی فانا وآبائی شفعاؤه یوم القیمة نجی ولو کان علیه مثل وزر الثقلین الجن والانس یعنی از حضرت امام رضا ع مرویست که مردی از اهل خراسان خدمت آنحضرت کرد که شب گذشته حضور حضرت رسول صلی الله علیه واله مشرف شدم وآنحضرت را رؤیا کردم گویا آنجناب بمن فرمود چگونه میشود حال شما اهل خراسان وقتیکه دفن میشود در زمین شما پارهٔ تن وفلزه وگوشهٔ جگر من پس خوب حفظ نمائید ودیعه وگوشه جگر که امانت منست که در نفس الامر امانت منزا امانت خداوند تعالیست ونیز فرمودند چگونه خواهد شد حال شما در وقتیکه ستارهٔ بدن من در ملک شما غائب شود پس حضرت رضا از روی حسرت بان مرد خراسانی فرمود منم آن کسیکه در ملک وزمین شما مدفون خواهد شد ومنم پارهٔ تن پیغمبر شما ومنم امانت آنحضرت ومنم ستاره درخشنده جدم رسول خدا که پیغمبر شما است مؤلف دلسوخته میگوید که حضرت رسول فرموده ردوا الامانات الی اهلها ولو کان قاتل علی بن ابیطالب ع

من النار

بعض کرد

یعنی فرمود رسول خدا امانتها را بر اهلش رد نمائید
اگرچه قاتل علی بن ابی طالب بود باشد و نیز از انحضرت
مرویست که فرموده است ردّوا الامانات الی اهلها
ولو کان یهودیّا یعنی امانت را بر اهلش ردّ نمائید
اگرچه صاحبش یهودی امت من باشد وای بر امّت
پیغمبر اخر الزمان محمد مصطفی صلی الله علیه واله وسلّم
که امانت پیغمبر خود شان که حضرت رضا علیّ بن موسی الرضا
علیه الاف التحیة والثناء است که در مملکت خراسان
مدفون و ستاره انحضرتست دران بقعه مطهره
منوره که روضه ایست از روضات جنان غائب شده
خوب حفظ نمودند اهل خراسان که در این ازمنه میشود
در محضر و مسمع و مرعا و منظر اهل خراسان و قاطبه
اهل ایران و هند وستان و عربستان و افغانستان
و ممالك افریقا و قفقازیه و سایر بلاد اهل اسلام بین
الخافقین که تقریبا هشتصد کرور ساکنین ربع مسکون
تعداد نفوس ابناء شیعه و محبّ خانوادهٔ اهل بیت عصمت
وطهارت و گویندهٔ کلمه طیّبهٔ لا اِلهَ الّا الله و مظهر
شهادت اشهد انّ محمّدا رسول الله وانّ علیّا ولیّ الله
بعض انها حاضر و ناظر و سامع بوده که و دیعهٔ خاتم انبیاء

دیگر نوبته علی مرتضی و پاره تن بتول عذراء فاطمه زهراء
علی بن موسی الرضا غریب الغرباء ثامن ائمه هدی علیهم
الاف التحیة والثناء که عین امانت خداوند ملک ارض و السما
چگونه راضی شدند که لشکر شیطان و جنود روسیان مانند
جند غریبش سید انس و جان لشکر شام و کوفیان سنگین دلان
در بقعه کربلاء و گودال مقتل سرزمین نینوا چهار هزار
تیر انداز نظیر حرمله بن کاهل اسدی اطراف صحن مقدسش را
احاطه نمودند با توپ مسلسل و شرپنل و شنیدرد در ضمن شش
ساعت رواق و قبه سامیه و ایوان شریف و مناره عرش
بنیان و حرم مقدسش که محل مطاف ساکنین ملاء اعلی
از ملائکه کروبیین و محل مهبط وحی جبرئیل بوده تیرباران نمودند
که خون مسلمین بیگناهان از زوار و مجاورین و خدام و الامقام
از سادات رضوی مانند آب جیحون در صحن ملائک پاسبان جاری
و مزار ملائک رحمن و محل عبادت انس و جان و مکان بوسگاه
کروبیان از زوار امام مفترض الطاعه و منزل نزول آیات قرآن
از تلاوت قراء قرآن مجید در صحن هفت شبانه روز از ترس روسیان
و از خوف صدمه و صدای توپ ان بیدینان و لشکر شیطان
خالی و مصداق قصیده ابیات دعبل خزاعی علیه رحمة الله
الملک المنان قصیده دعبل خزاعی رحمة الله علیه

مدارس آيات خلت من تلاوة　　ومنزل وحي مقفر العرصات
لآل رسول الله بالخيف فالمنى　　وبالبيت والتعريف والجمرات
ديار علي والحسين وجعفر　　وحمزة والسجاد ذي الثفنات
ديار رسول الله اصبحن بلقعا　　ودار زياد اصبحت عمرات
وهند وما ادت سمية وابنها　　اولوا الكفر في الاسلام والفجرات
وآل رسول الله تسبى حريمهم　　وآل زياد امنوا السربات
فيا وارث علم النبي وآله　　عليكم سلامي دائم النفحات
خروج امام لا محالة خارج　　يقوم على اسم الله والبركات
يميز فينا كل حق وباطل　　ويجزي على النعماء والنقمات

عجبا لحلم الله جل جلاله

چه فرق میان جنود شیطان و روسیان و اتباع و اعوان ایشان که باعث خرابی و هتک حرم ملائک پاسبان حضرت علی بن موسی الرضا شدند و میان حکم شریح قاضی بقتل ریحانه رسول و پاره تن فاطمه بتول داد بلکه اشخاصی که سبب راهنمائی لشکر نادفر روسیان و ورود ایشان بحرم عرش بنیان امام انس و جان شدند شقی تر از لشکر یزید بن معویة علیهما الهاویة میباشند چنانچه حضرت صادق ع میفرماید اذا رأیتم العالم محبا لدنیاکم فاتهموه علی دینکم و نیز از آنجناب بسند معتبر وارد است هم قطاع طریق المؤمنین و ایضا حضرت

۴۲ صادق فرموده وهم اضر علی حسین بن علی من سبعین یزید بن معاویه
یعنی کسانیکه حکم بناحق وخلاف ما انزل الله جاری نمایند مضر
ایشان بر حسین بن علی ع از لشکر یزید بن معویه بیشتر است
تکمیل ابن متوکل از علی بن ابرهیم از ابا هاشم جعفری روایت
کرده که شنیدم از اباجعفر ع یقول ان بین جبلی طوس قبضة
قبضت من الجنة من دخلها کان امنا یوم القیمه من النار
یعنی ما بین دو کوه بقعه مطهره طوس قطعه است از قطعات
بهشت کسی که داخل این بقعه مطهرهٔ منوره شده در دنیا و
در روز جزا از عذاب خداوند قهار ایمن خواهد شد چنانچه
قران مجید شاهد مدعی است و من دخله کان امنا عبدالله
کسانیکه باعث هتک حصن حصین حرم حضرت رضا علی بن
موسی الرضا شده و متحصنین ان حرم خداوند ملک ارض و
سما را بیرون و باعث قتل انها شدند کرده و نفس الامر
حرم محترم خدا را هتک نمودند بلکه تمام قبور ائمه هدی و
مرقد شریف رسول خدا و ضریح بتول عذراء را هتک نمودند
بیچاره امید شفاعت از این حجج دارند چنانچه حدیث شریف
شاهد مدعی است که میفرماید یوم جلس رسول الله صلی الله
علیه وآله الحسین ع واجلسه علی فخذه وقبل عینیه ونحره
وقال ولدی انا وابوك وامك واخوك ولسعة من ولدك

ندفن في تربتك قال يا جداه كيف تدفنون في تربتي و قبورنا شتى
قال والدي يوم نزل بنا الموت هبط جبرئيل واخذ من تربة حايرك
فقدا وانبسط اجسادنا يعني روزيكه حضرت خاتم انبياء در
مسجد نشسته بود حضرت سيد الشهداء بمحضر مباركش
مشرف شده حضرت ان نور ديده خود را بالاى زانوى مبارك
نشانيده و ما بين دو چشم و گلوى انجناب بالعن را بوسيد و
ميفرمود نور ديده حسين من و پدرت علي بن ابي طالب
و مادرت فاطمه و برادرت حسن مجتبى و نه نفر از اولاد تو كه حجة
بالغة اند در تربت حاير تو مدفون ميشويم فرمود اى جد بزرگوار
چگونه دفن ميشويد در تربت من و حال آنكه قبور ما متفرق و
متشتت ميباشد فرمود اى نور ديده روزيكه داعي حق و مرك
بما نازل ميشود جبرئيل از تربت حاير تو مقدارى اخذ مينمايد
كه اجساد ما را احاطه نمايد چنانچه در كتاب تهذيب محمد
بن احمد بن داود قمي از حسين بن احمد بن ادريس از پدرش
حسن بن علي الدقاق از ابرهيم الزيات از محمد بن سليمان
زرقان از علي بن محمد العسكري عليهما السلام روايت كرده
قال قال لي يا زرقان ان تربتنا كانت واحدة فلما كان ايام
الطوفان افترقت التربة فصارت قبورنا شتى والتربة
واحدة قال رسول الله صلى الله عليه وآله من زارني وزار

اخرا من ذریتی ذرته یوم القیمة فانقذته من اهوالها یعنی
فرمود ای ذرتان تربت قبور ما معاشر ائمه و تربت قبر جدم
رسول خدا و مادرم زهراء یکتربیست زمانیکه طوفان نوح
واقع شد تربت قبور ما معاشر ائمه متفرق کردید قطعهٔ در مدینه
منوره و قطعهٔ در وادی غری و قطعهٔ در وادی نینوا و قطعه
در مقبرهٔ قریش و قطعهٔ در سرمن رای و قطعهٔ در طوس مستقر
کردید کسی که زیارت کند هر یکی از ما معاشر ائمه را کویا که تمام
قبور ما ائمه را زیارت کرده پس رسول خدا صلی الله علیه واله
فرمود روز قیامت دستاوزرا میکیرم از هول قیامت و آتش
جهنم نجاتش میدهم مؤلف دلسوخته میکوید اشخاصیکه ملتجی
بحرم شریف ثامن الائمة علی بن موسی الرضاء شده اند چرا
از عذاب و صدمه توپ مسلسل روسیان جنود شیطان در امن
نشدند وای بر حال کسانیکه باعث هتک حرم شریف و باعث
قتل نفوس محترمه متحصنین کردیدند مانند حکم شریح بهتک حرم
علی بن موسی الرضا علیهما السلام حکم نمودند بدتر از شریح
قاضی و بعذاب الیم خداوند کرفتار خواهد شد
ایا ذلة الاسلام من بعد عزه   اذا کان والی المسلمین یزید
چه خوب میکوید السید الجلیل الحاج میر سید علی ساداتی خوئی

تو یکه بر بقعه شاه رضا رسید اند رنجف بمرقد شیر خدا رسید ها،

نظر بمفاد اخبار مذکوره طینت و تربت مطهره ائمه علیهم السلام یکی طینت و یکی تربت احترام قبری از قبور ائمه علیهم السلام احترام تمام قبور ائمه اطهار و هتک یکی از قبور ائمه هتک تمام قبور ائمه است چنانچه شاه نعمة الله میفرماید بمناسب مقام

معبد خر میشود ویران جای بزم شراب می بینم

اول مرقدی از قبور ائمه که هتک میشود قبر علی بن موسی الرضا ارواحنا له الفداء است چنانچه ابی الائمه امیر المؤمنین در خطبه مبارکه تصریح فرموده قال امیر المؤمنین فی خطبته انا علم الاعلام انا جلة الاسلام انا خاصف النعال الی ان قال انا ابو القاسم المهدی فی اخر الزمان قال فقام الیه مالك الاشتر قال ومتی یقوم هذا القائم من ولدك یا امیر المؤمنین فقال اذا زهق الزاهق وحقت الحقایق والحق اللاحق و ثقلت الظهور وتقاربت الامور الی ان قال ویخربون خراسان ویعرفون الجلیشان ویهدمون الحصون ویظهرون اللصوص ویقتطفون ویفتحون العراق ویحجبون الشقاق بدم براق فعند ذلك توقعوا خروج صاحب الزمان ثم انه جلس علی اعلا مرقاة المنبر ثم قال آه آه ثم آه آه الخ مؤلف گوید از جمله علائم ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه وآله توهین مرقد مطهر و خرابی

حایط صحن مقدس و ایوان عرش بنیان حرم ملائک پاسبان
امام الانس والجان علی بن موسی علیهما السلام است چنانچه
امیرالمومنین ع در خطبه شریفش تصریح فرموده که مراد از
خرابی خراسان توهین حرم شریف حضرت رضا و خرابی صحن
گوهرشاد و مراد از ظهور لصوص غارت اساس و اسباب و
جواهرات و قنادیل موقوفه و اشیاء نفیسه حرم ملائک
خدم و غارت خزانه محترمه علی بن موسی الرضا است
که باغواء قطاع طریق دین از بعض فرق مسلمین لشکر روسیا
غارت نمودند شاهد مدعی قول خود حضرت رضا است
که فرموده و قبر بطوس یا لها من مصیبة الحت علی الاحشا
بالزفرات که اشاره بمصائب وارده از خرابی حایط صحن مقدس
و توهین مرقد شریفش فرموده که هزار مرتبه اعظم و بزرگتر
از قضیه غارت اسباب و اموال سید الشهداء در روز
عاشورا که بنا ببعض روایات هفت گروه لشکر ابن سعد
اموال آنحضرت را غارت نمودند ولی لشکر روسیان جنود
شیطان از قرار مکاتیب عدیده و شهادت اشخاص موثقه
چهل و دو کرور اموال و اشیاء حرم محترم ثامن الائمه را مانند
مسلم بن عقبه مری و حصین بن نمیر سکونی بامر یزید بن معویه
علیهما اللعنة والهاویة اسباب حرم خاتم انبیاء محمد مصطفی

غارت نموده در ظرف سه روز هفتصد نفر از مهاجرین و
انصار و ده هزار از سایر اهل مدینه بقتل رسانیدند و
بیت الله الحرام بواسطهٔ منجنیق خراب نموده و خانهٔ خدا را خراب
نموده آتش زدند حتی شاخهای قوچ که جبرئیل بامر رب جلیل
از بهشت بجهت اسمعیل ذبیح الله فدیا آورده بود آتش زدند
و سوزانیدند چنانچه حرم ثامن الائمه بضرب توپ مسلسل
روس هتك و اسبابش غارت شد و در مدت شش ساعت
زیاده از چهار صد نفر از زوار و مجاورین ثامن الائمه بقتل
رسانیدند چنانچه از فاضل دربندی علیه الرحمه در کتاب
اسرار الشهادة از علماءِ عامه روایت مذکور است ولما
بلغ یزید ان اهل المدینه نکثوا بیعته و خرجوا علیه وجه
الیهم مسلم بن عقبه المری مع اثنی عشر الفا فیهم الحصین
بن نمیر السکونی وقیل الکندی لیکون علی العسکر ان عرض لمسلم
الموت فانه کان علیلا و امر یزید لعنه الله تعالی مسلماً اذا
بلغ المدینه ان یدعوا اهلها الی طاعة یزید لعنه الله تعالی ثلاثة
ایام فان اجابوه والا قاتلهم فاذا ظهر علیهم اباحها ثلاثا
ثم یکف عن الناس و یسیر الی مکه لقتال ابن الزبیر فسار مسلم
حتی بلغ المدینه فنزل بظاهرها بمکان یقال له حرة واقم فخرج
اهل المدینه و عسکروا بها فدعاهم مسلم الی بیعة یزید لعنه الله

تعالی ثلثا فلم یجیبوه فقاتلهم و غلب علیهم و قتل ابن حنظلة
مع سبعمائة من المهاجرین و الانصار و عشرة آلاف من سائر
الناس و لقب مسلم لعنه الله تعالی مسرفا لاسرافه فی القتل
ثم دخل المسرف المدینه فابیحت اعدینه ایاما و بطلت الجماعة
من المسجد النبوی ایاما فلم یمکن احدا دخول المسجد حتی دخلته
الکلاب و الذئاب و بالت علی منبره ثم کلف مسرف اهل المدینة
بیعته یزید لعنه الله تعالی و لم یرض الا بان یبایعوه
علی انهم خول له ان شاء باع و ان شاء اعتق فذکر له بعضهم
البیعة علی کتاب الله و سنة رسوله فضرب عنقه و کانت
تلک الوقعة فی اواخر ذی الحجة سنة ثلث و ستین من
الهجرة ثم سار مسرف الی مکة لقتال ابن الزبیر فلما کان بالمشلل
مات لعنه الله تعالی و دفن بثنیة المشلل ثم نبش و صلب
هناک و کان یرمی کما یرمی قبر ابی رغال دلیل ابرهة المدفون
بالمغمس فسار الحصین بن نمیر لعنه الله تعالی بالعسکر حتی بلغ مکة
لاربع بقین من محرم سنة اربع و ستین من الهجرة فتحصن
ابن الزبیر و حاصره الحصین و نصب المنجنیق فضیب حجارته
الکعبة فوهنت و اخذ رجل قبسا فی راس رمح فطارت به
الریح فاحرق البیت و احترق فیها قرنا الکبش الذی فدی به اسمعیل
ابرهیم علی نبینا و اله و علیه السلام و کان معلقا بالکعبة و دام

الحرب بين اهل مكة واهل الشام الى ان فرج الله تعالى عن ابن
الزبير واصحابه بوصول نعي يزيد لعنه الله تعالى فادبر الحصين
لعنه الله ومن معه الى الشام لخمس خلون من ربيع الاخر وكان موت
يزيد لعنه الله تعالى في منتصف ربيع الأول من هذه السنه

السلام على مفخر الابرار

ونائي المزار وشرط دخول الجنة السلام على من لم يقطع الله عنهم
صلوته في اناء الساعات وبهم سكنت السواكن وتحركت المتحركات
السلام على من جعل الله امامتهم مميزة بين الفريقين كما تعبد
بولايتهم اهل الخافقين السلام على من اجرى الله به دارس
حكم النبيين وتعبد بولايته لتمام كلمته الله رب العالمين

يا قرطوس سقاك الله رحمته
ماذا ضمنت من الخيرات يا طوس

طابت بقاعك في الدنيا وطاب بها ... شخص ثوى بسنا باد مرموس
شخص عزيز على الاسلام مصرعه ... في رحمة الله مغمور ومغموس
يا قبره انت قبر قد تضمنه ... حلم وعلم وتطهير وتقديس
فخرا بانك مغبوط بجثته ... وبالملائكة الاطهار محروس

مؤلف كتاب الفوادح في مسطر فات لوامع الانوار دهر
مصنا سبط محمد المختار اقل خدام الشريعة ابي الحسن النجفي المرندي
رزقه الله زيارة سيده ومولاه ثامن الائمة عليهم السلام وقد فرغ من تحرير
ذلك الطلاء من تسويد المجلد الثاني في غرة شعبان المعظم من سنة ١٣٠٣ من الهجرة

قال امير المؤمنين عليه السلام

في الخطبة الغراء ويل لاهل الارض اذا دعي على منابرهم

باسم الملتجي والمستكفي ولم يعرف الملتجي في القابهم ولكن لما بينا

صفتهم وجدنا الملقب بالمتقي لله الملتجا الى بني حمدان ثم يذكر الرجل من بعده

الذي قال في اول اسمه سين وميم ويعقب بزجل في اسمه الدوقا ثم يذكر

صفته وصفة ملكه وقوله ع وان منهم الغلام الاصفر الساقين اسمه احمد و

وقوله ع ينادي مناد الجرحى على القتلى ودفن الرجال وغلبة الهند على السند

در مطبعه جناب شريف الحاج آقا عبد الرحيم آقا تبريز به طبع رسيده

وغلبة القفص على السند وغلبة القبط على اطراف مصر وغلبة اندلس على اطراف

افريقية وغلبة الحبشة على اليمن وغلبة الترك على خراسان وغلبة الروم على

الشام وغلبة اهل ارمينية على ارمينيه وصرخ الصارخ بالعراق هتك الحجاب

وافتضت العذراء وظهر علم اللعين الدجال ثم ذكر خروج القائم ع مؤلف

ميكويد مراد از غلبه ترك غلبه لشكر روس بر خراسان است

ومراد از ارمنيه بلده اردبيل است كه اهالى آن طرف

بتاريخ شهر جمادى الاولى سنه ١٣٣٠ بر خود اردبيل غلبه خواهند نمود و ثبت

در مجمع النور مفصلا

ذکر شده

هر گونه نشانه گذاری به مرور زمان سبب ایجاد لکه در اوراق کتاب می شود.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

در هر ماه بیش از سه هزار و پانصد جلد کتاب نیازمند صحافی مجدد می باشند.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

چسب های نواری که برای چسباندن ورقهای پاره کتاب به کار می برید پس از گذشت چند ماه سبب فرسودگی کاغذ می شوند.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

در هر ماه به جای هزینه صحافی می توان بیش از هزار جلد کتاب را خریداری نمود.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اثر مایعات بر روی برگ های کتاب باعث ایجاد فعل و انفعالات شیمیایی و فیزیکی متفاوتی می گردد که رفع آن مستلزم صرف وقت و هزینه زیادی است.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

مدت زمان لازم برای صحافی هر جلد کتاب معادل ۲۰ برابر مدت زمان چهار مرتبه امانت گرفتن کتاب توسط اعضای کتابخانه است.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

قرار دادن اشیای مختلف در بین برگهای کتاب به عنوان نشانه به تدریج و با گذشت زمان منجر به جرم گرفتن و پارگی کتاب می شود.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

هر گونه نشانه گذاری به مرور زمان سبب ایجاد لکه در اوراق کتاب می شود.

۲۹۷
۸۴۹۲
م
۴۷۹
ن
۱۳۲۰